

# توسعه گردشگری شهری

## رویکرد شهر سبز-هوشمند

((دکتر علی جهانگیری))

### مقدمه:

گردشگری شهری به عنوان یکی از پویاترین اشکال سفر، همواره موتور محرک اقتصادهای محلی و بستری برای تعاملات فرهنگی بوده است. این پدیده، که از قلب تپنده شهرها و جاذبه‌های مصنوعی و تاریخی آنها تغذیه می‌کند، نیازمند بازتعریفی مداوم در مواجهه با چالش‌های جهانی است. در ایران، با توجه به بافت اقلیمی خاص و فشارهای فزاینده منابع طبیعی، مفهوم گردشگری شهری دیگر تنها محدود به بازدید از بناهای تاریخی و مراکز خرید نیست؛ بلکه باید به سوی ارائه راهکارهایی معطوف شود که همزمان با جذب گردشگر، بر ضرورت پایداری و مدیریت بحران نیز تأکید ورزند.

گردشگری شهری به عنوان فرآیندی که طی آن افراد به دلایل گوناگون (تفریح، تجارت، آموزش) به محیط‌های شهری غیر از محل اقامت دائم خود سفر می‌کنند، همواره در حال انعکاس دادن تغییرات فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی جامعه است. در دهه‌های اخیر، شهرها از صرفاً «مکان‌هایی برای بازدید» به «مکان‌هایی برای زندگی، کار و تجربه کردن» تبدیل شده‌اند و این تحول، ماهیت گردشگری شهری را نیز دگرگون ساخته است. در استان فارس، این دگرگونی باید با حفظ اصالت تاریخی و مقابله با بحران آب گره بخورد؛ به این معنی که شیراز باید از یک «شهر باغ سنتی» به یک «شهر باغ هوشمند و مقاوم در برابر خشکی» تبدیل شود.

این انتقال پارادایم، گردشگری شهری-سبز فارس را در سه محور تعریف می‌کند: اولاً، تبدیل جاذبه‌های تاریخی مانند مجموعه زندیه و دروازه قرآن به الگوهایی از بهره‌وری انرژی و آب از طریق نصب زیرساخت‌های هوشمند در محدوده سایت‌های میراثی. ثانیاً، ادغام باغ‌های شهری (مانند ارم و دلگشا) نه تنها به عنوان مکان‌های تماشای زیبایی، بلکه به عنوان آزمایشگاه‌های زنده برای تکنیک‌های کم‌مصرف آبیاری و کشت گیاهان بومی مقاوم به خشکی. ثالثاً، تمرکز بر تجربه فرهنگی مسئولانه؛ یعنی ارائه ابزارهای دیجیتالی به گردشگر شهری که او را نسبت به ردپای مصرفی خود در شهری با منابع محدود آگاه سازد. این رویکرد هوشمند-سبز، تضمین می‌کند که ترافیک بالای گردشگری، منجر به تشدید بحران‌های منابع شهری نشود، بلکه خود تبدیل به عاملی برای حفظ و ارتقاء محیط زیست شهری گردد.

## ۱. تکامل پارادایم گردشگری شهری

پارادایم سنتی گردشگری شهری بر محوریت "جاذبه‌های ثابت" (مانند موزه‌ها، بناهای تاریخی و مراکز خرید بزرگ) می‌چرخید. اما امروزه، تمرکز به سمت موارد زیر تغییر کرده است:

- **تجربه محوری (Experience Economy):** گردشگر به دنبال حس کردن، مشارکت کردن و به یاد آوردن یک تجربه منحصر به فرد است، نه صرفاً دیدن یک مکان.
- **شهر به میزبان (The City as a Host):** شهروندان و فضاهای محلی (نه فقط هتل‌ها) در ارائه تجربه مشارکت می‌کنند. این امر خود را در پلتفرم‌های اقامت اشتراکی و تورهای محلی نشان می‌دهد.
- **کوتاه‌مدت‌گرایی (Short-Term Stays):** افزایش سفرهای کوتاه، به‌ویژه سفرهای آخر هفته، نیازمند محصولاتی است که در زمان محدود، بیشترین ارزش را ارائه دهند.

## ۲. روندهای آینده‌نگرانه در گردشگری شهری

شناسایی روندهای آتی به شهرها کمک می‌کند تا زیرساخت‌ها و استراتژی‌های بازاریابی خود را برای جذب نسل بعدی گردشگران آماده کنند. پنج روند اصلی که آینده گردشگری شهری را شکل می‌دهند عبارتند از:

### الف) پایداری و گردشگری مسئولانه (Responsible Tourism & Sustainability)

این مهم‌ترین نیروی محرکه تغییر در دهه آینده خواهد بود. گردشگران به‌طور فزاینده‌ای نگران ردپای زیست‌محیطی خود هستند.

- **گردشگری سبز و اکولوژیک:** تمرکز بر جاذبه‌هایی مانند کشاورزی شهری، پارک‌های هوشمند و پروژه‌های بازیابی اکولوژیکی (مانند آنچه در مورد استان فارس اشاره شد). گردشگران به دنبال مکان‌هایی هستند که تعهد خود به محیط زیست را به‌صورت ملموس نشان دهند.
- **کاهش تراکم (Overtourism Management):** شهرها از تمرکز صرف بر جذب تعداد بیشتر گردشگر به سمت مدیریت بهتر جریان گردشگران روی می‌آورند. این شامل توزیع گردشگران در مناطق کمتر شناخته‌شده شهر و ترویج بازدید در فصول کم‌سفر است.

### ب) دیجیتالی شدن عمیق و واقعیت افزوده (AR/VR & Deep Digitization)

فناوری‌های نوین، مرزهای بین دنیای فیزیکی و دیجیتال را در سفر محو خواهند کرد.

- **واقعیت افزوده (AR) برای اکتشاف:** استفاده از AR برای بازسازی تاریخی بناهای تخریب‌شده، ارائه اطلاعات در لحظه بر روی مناظر یا تبدیل خیابان‌های معمولی به مسیریهای تعاملی بازی‌گونه (Gamified Trails).

- **تجربیات متاورس و پیش‌نمایش:** گردشگران پیش از سفر، با استفاده از واقعیت مجازی (VR)، می‌توانند در تورهای مجازی شهر شرکت کنند و در حین سفر، از اپلیکیشن‌های هوشمند برای مسیریابی و رزرو استفاده نمایند.

#### پ) سفر برای سلامتی و تندرستی (Wellness Tourism)

بحران‌های اخیر، اهمیت سلامت جسمی و روانی را افزایش داده است. گردشگری شهری به سوی ارائه خدمات بازایی‌کننده حرکت می‌کند.

- **فضاهای آرامش شهری:** گسترش پارک‌های ذهن‌آگاهی (Mindfulness Parks)، استودیوهای مدیتیشن شهری، و مسیرهای طراحی‌شده برای فعالیت‌های ورزشی سبک.
- **غذاهای عملکردی (Functional Foods):** افزایش تقاضا برای رستوران‌ها و کافه‌هایی که بر مواد غذایی محلی، ارگانیک، و دارای خواص سلامتی خاص تمرکز دارند.

#### ت) شخصی‌سازی فوق‌العاده (Hyper-Personalization)

دیگر پیشنهاد دادن "سه جاذبه برتر" کافی نیست. گردشگران به دنبال برنامه‌هایی هستند که بر اساس علایق، بودجه، میزان انرژی و حتی زمان‌بندی روزانه آن‌ها طراحی شده باشد.

- **هوش مصنوعی (AI) در برنامه‌ریزی سفر:** استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته برای پیشنهاد مسیرهای بهینه که ترکیب‌کننده علاقه گردشگر به هنر معاصر و نیاز به صرفه‌جویی در هزینه حمل‌ونقل باشد.

#### ث) مهاجرت دیجیتال و گردشگری طولانی‌مدت (Long-Stay Tourism & Digital Nomadism)

با رواج دورکاری، افراد بیشتری می‌توانند برای مدت طولانی‌تری در یک شهر اقامت کنند. این امر نیاز به زیرساخت‌های شهری متفاوتی دارد.

- **سرویس‌های زندگی شهری:** شهرها باید امکانات کار اشتراکی (Co-working Spaces) با کیفیت، اینترنت پرسرعت و اجاره مسکن منعطف را فراهم آورند تا این گروه از گردشگران طولانی‌مدت، به جای اقامت کوتاه‌مدت، به مصرف‌کنندگان پایدار خدمات شهری تبدیل شوند.

### ۳- موانع اصلی توسعه گردشگری سبز در استان فارس

توسعه یک مدل گردشگری که به محیط زیست احترام بگذارد و پایداری منابع را تضمین کند، در فارس با موانع متعددی روبرو است که نیازمند راهکارهای ساختاری و تغییرات فرهنگی هستند:

#### الف- موانع اکولوژیکی و زیرساختی (مربوط به منابع محدود)

این دسته از موانع، مستقیماً با بحران‌های محیط زیستی استان در ارتباط هستند:

- بحران حاد منابع آب: این بزرگ‌ترین مانع است. گردشگری سبز نیازمند منابع آب مدیریت‌شده است، اما برداشت بیش از حد از منابع زیرزمینی برای تأمین نیازهای شهری و کشاورزی، ظرفیت منابع آبی را برای زیرساخت‌های گردشگری پایدار (مانند هتل‌های دوستدار محیط زیست یا پروژه‌های کشاورزی شهری با مقیاس بزرگ) به شدت محدود می‌کند.
- پیامد: هر پروژه گردشگری که مصرف آب بالایی داشته باشد، به سرعت زیر سوال می‌رود و با افکار عمومی مخالف با تخریب منابع آب روبرو می‌شود.
- تخریب اکوسیستم‌های طبیعی: توسعه ناهمگون و بدون ضابطه در اطراف جاذبه‌های طبیعی (مانند دریاچه مهارلو یا مناطق حفاظت‌شده) حریم اکولوژیکی را از بین می‌برد. گردشگری سبز نیازمند حفظ بافت بکر است، در حالی که فشار توسعه، این بافت را تهدید می‌کند.
- مدیریت پسماند و آلودگی: زیرساخت‌های ضعیف جمع‌آوری و بازیافت زباله در مناطق گردشگری بکر و روستایی، تهدیدی جدی برای محیط زیست است. عدم وجود سیستم‌های مدرن مدیریت پسماند، مفهوم گردشگری سبز را زیر سوال می‌برد.

#### ب- موانع ساختاری و مدیریتی

این موانع به نحوه برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر پروژه‌های گردشگری مربوط می‌شوند:

- عدم یکپارچگی میان‌بخشی: گردشگری سبز نیازمند همکاری تنگاتنگ بین سازمان میراث فرهنگی، شهرداری‌ها، سازمان محیط زیست و سازمان آب است. در فارس، اغلب نبود هماهنگی میان این نهادها منجر به صدور مجوزهایی می‌شود که با اهداف پایداری سازگار نیستند.
- تمرکز بیش از حد بر جاذبه‌های تاریخی: تمرکز اصلی بودجه‌ها و برنامه‌ها بر روی میراث فرهنگی ملموس (تخت جمشید، سعدی، حافظ) است، در حالی که زیرساخت‌ها و جاذبه‌های گردشگری طبیعی و اکولوژیک مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.
- مقاومت در برابر نوآوری: همانطور که اشاره شد، گرایش به روش‌های سنتی (مانند آبیاری سنتی در فضاها سبز عمومی) به جای پذیرش فناوری‌های مدرن مانند هیدروپونیک و حسگرهای هوشمند، به دلیل عدم آموزش کافی یا نگرانی‌های اولیه مالی، مانع بزرگی است.

#### پ- موانع فرهنگی و آگاهی عمومی

پایداری گردشگری تنها با اقدامات دولت‌ها محقق نمی‌شود؛ مشارکت فعال گردشگران و جامعه محلی ضروری است:

- آگاهی پایین گردشگر: بسیاری از گردشگران هنوز تفاوت میان “گردشگری معمولی” و “گردشگری سبز” را درک نمی‌کنند و به دنبال امکانات لوکس با مصرف منابع بالا هستند. فرهنگ سفر مسئولانه به طور کامل نهادینه نشده است.

- مقاومت جامعه محلی: در مناطقی که اقتصاد محلی شدیداً وابسته به کشاورزی سنتی است، پذیرش تکنیک‌های جدید کشاورزی شهری یا هیدروپونیک به عنوان جاذبه گردشگری، ممکن است با مقاومت روبرو شود؛ زیرا این روش‌ها در ابتدا تهدیدی برای شیوه‌های مرسوم تلقی می‌گردند.
  - نیاز به آموزش کادر تخصصی: کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده در حوزه مدیریت پایداری، انرژی‌های تجدیدپذیر در صنعت هتلداری و راهنمایان تور متخصص در ارائه محتوای اکولوژیکی، مانعی جدی در ارائه یک تجربه سبز اصیل است.
- برای غلبه بر این موانع، استان فارس باید استراتژی‌های مقاوم‌سازی منابع (Resource Resilience) را در اولویت قرار دهد و گردشگری سبز را نه به عنوان یک گزینه اختیاری، بلکه به عنوان تنها مسیر پایدار رشد خود در آینده ببیند.

#### ت- چالش خشکسالی و منظر فارس:

استان فارس، با داشتن میراث فرهنگی غنی، همواره یکی از قطب‌های اصلی گردشگری ایران بوده است. با این حال، این منطقه در دهه‌های اخیر به شدت تحت تأثیر پدیده خشکسالی قرار گرفته است. کمبود منابع آبی، تهدیدی جدی برای کشاورزی سنتی، فضای سبز شهری و حتی تداوم حیات اکولوژیک مناطق اطراف شهرهاست. در این شرایط، حفظ جاذبه‌های سنتی گردشگری در معرض خطر قرار می‌گیرد و نیاز به جذب گردشگری با انگیزه‌های جدید و سازگار با محیط زیست احساس می‌شود.

#### ۴- ضرورت ایده‌های مدرن و کشاورزی پایدار:

در پاسخ به این چالش، گردشگری پایدار شهری (Sustainable Urban Tourism) مطرح می‌شود که می‌تواند بر محوریت نوآوری‌های سازگار با کمبود آب شکل بگیرد. کشاورزی شهری (تولید مواد غذایی در محیط‌های شهری) و به‌طور خاص، سیستم‌های نوین آبیاری مانند هیدروپونیک (کشت بدون خاک)، از جمله این ایده‌های مدرن هستند. این سیستم‌ها با کاهش چشمگیر مصرف آب، الگویی عملی برای مقاومت در برابر بحران کم‌آبی ارائه می‌دهند.

**توسعه کشاورزی عمودی و هیدروپونیک به عنوان جاذبه‌های گردشگری آینده‌نگر:** ضروری است که حمایت‌های دولتی و تسهیلات اولیه به سمت پروژه‌های هیدروپونیک و کشاورزی عمودی (Vertical Farming) در حاشیه شهرها و نزدیکی مراکز اقامتی بزرگ هدایت شود. این سازه‌ها نباید صرفاً واحدهای تولیدی باشند؛ بلکه باید به عنوان “مزارع آموزشی-نمایشی هوشمند” (Smart-Showcase Farms) طراحی گردند تا به یک جاذبه گردشگری جدید تبدیل شوند. گردشگران می‌توانند در این مزارع، تولید محصولاتی تازه و محلی را با چشم خود ببینند که بدون خاک و با مصرف آب بسیار اندک (تا ۹۰٪ کمتر از روش سنتی) در یک محیط کاملاً کنترل‌شده تولید شده‌اند. این پروژه‌ها، دو هدف اساسی را محقق می‌سازند: تأمین امنیت غذایی نسبی شهر و ارائه یک تجربه گردشگری مدرن و مرتبط با پایداری برای بازدیدکنندگان فارس.

**انرژی‌های تجدیدپذیر در تأسیسات گردشگری:** الزام و تشویق نصب پنل‌های خورشیدی (Solar PV) در کلیه تأسیسات گردشگری، اقامتگاه‌های بوم‌گردی و زیرساخت‌های عمومی مرتبط با جابجایی گردشگران.

## ۵- گردشگری آموزشی و تجربه محور:

ادغام این فناوری‌های سبز با زیرساخت‌های شهری، فرصتی منحصر به فرد برای خلق نوعی جدید از گردشگری آموزشی و تجربه محور در فارس فراهم می‌آورد. بازدید از مزرعه‌های عمودی هیدروپونیک، کارگاه‌های تولید محصولات ارگانیک در مقیاس شهری، و آشنایی با روش‌های مصرف بهینه آب می‌تواند برای گردشگران داخلی و خارجی جذابیت مضاعفی ایجاد کند. این رویکرد، گردشگر را از صرفاً یک مصرف‌کننده جاذبه‌ها، به یک مشاهده‌گر و علاقه‌مند به راه‌حل‌های آینده تبدیل خواهد کرد.

بنابراین، توسعه گردشگری شهری در استان فارس مستلزم یک نگاه میان‌رشته‌ای است که در آن، میراث فرهنگی با فناوری‌های نوین کشاورزی و محیط زیستی ترکیب شده تا ضمن حفظ هویت تاریخی، آینده‌ای پایدار و مقاوم در برابر محدودیت‌های منابع آبی ترسیم گردد. این مقدمه زمینه را برای بررسی چگونگی تبدیل نوآوری‌هایی مانند هیدروپونیک به جاذبه‌های گردشگری شهری هموار می‌سازد.

## ۶- تعریف گردشگری شهری و گردشگران:

می‌توان گردشگران شهری را این‌گونه تعریف کرد: افرادی که با اهداف گوناگون، تنها به محیط‌های شهری غیر از محل زندگی دائمی خود عزیمت می‌کنند. در همین راستا، مفهوم «گردشگری شهری» به نوعی از سفر اطلاق می‌شود که منحصراً در داخل مرزهای شهرها صورت می‌گیرد. «فضاهای گردشگری شهری» نیز به بخش‌هایی از شهر اشاره دارد که به دلایل مختلف، توانایی جذب بازدیدکنندگان را به‌عنوان یک مقصد جذاب دارند.

### اهداف و تمایز:

هدف از این سفرها، که شامل جابه‌جایی افراد به مناطق شهری دور از اقامتگاه عادی‌شان است، کسب آگاهی، اندوختن تجربیات و برآورده ساختن مجموعه انگیزه‌های شخصی است.

### نقش در اوقات فراغت:

افزون بر این، «تفریح شهرنشینی» بخشی از فراغت شهروندان محسوب می‌شود که نه در محیط خانه و نه در خارج از شهرها و روستاها رخ می‌دهد، بلکه حالتی بینابینی دارد. این نوع گذران اوقات فراغت در حریم سکونتگاه شهروندان، اعم از فضاهای باز شهری یا نواحی حاشیه شهر، به طور مستمر (روزانه یا هفتگی) و برای رفع نیازهای فراغتی عمومی مردم انجام می‌شود. این ویژگی، آن را از گردشگری در سطوح ملی و بین‌المللی متمایز می‌سازد.

## بیان جامع:

در تعریفی جامع‌تر، گردشگری شهری فرآیندی است که طی آن، تعامل متقابل میان گردشگر و میزبان شکل گرفته و فضای گردشگری تولید می‌شود؛ هدف از این فرآیند، سفر به مناطق شهری با اهداف متنوع، بازدید از جاذبه‌ها و بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و خدمات توریستی است که در نهایت پیامدهای متفاوتی بر کالبد و اقتصاد شهر بر جای می‌گذارد.

گردشگری شهری را می‌توان، بخشی از گذران فراغت شهروندان دانست که برای ارضای نیازهای فراغتی در درون شهری و پیرامون شهر تحقق می‌یابد. بر این اساس، خصایص عمده گردشگری شهری عبارت است از:

- گردشگری شهری بخش جدایی‌ناپذیری خدمات شهری موردنیاز شهروندان و میهمانان آن‌هاست؛ بنابراین، در قلمرو وظایف برنامه‌ریزی و مدیریت شهری واقع می‌شود؛
- گردشگری شهری ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌های محیط طبیعی و میراث فرهنگی شهر دارد، بنابراین باید در طرح‌های توسعه و عمران شهری، جداگانه دیده و ساماندهی شود؛
- گردشگری شهری اگرچه در محدوده و سطح محلی عمل می‌کند، لازمه و مبنای هر نوع توسعه تلقی می‌شود؛

به عبارت دیگر، گردشگری شهری شاخه‌ای از گردشگری است که سعی دارد گردشگری را، به‌عنوان یک پدیده مهم و مؤثر در تغییرات شهری و توسعه شهر، مورد بررسی قرار دهد. گردشگری شهری علاوه بر منافع خاص اقتصادی، مانند ایجاد اشتغال و درآمد، به اخذ مالیات‌ها و عوارض وصولی، و حفاظت از آثار تاریخی و توسعه تأسیسات زیربنایی کمک می‌کند و در بعضی از موارد، نیروی حیاتی برای توسعه و تقویت مرکز شهر می‌شود. مسئولان شهرها در پی ایجاد بناهای نمادین و مشخص، اغلب کمک‌های مالی کلانی برای ساخت بناهای معتبر و مجلل، به‌منظور ارزش‌بخشی به سرگرمی‌ها و تفریحات، گردشگری، پذیرایی و اعتلای فرهنگ، اعطا می‌کنند. رویدادهای ورزشی، مثل بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال، نمایشگاه‌های بزرگ بین‌المللی، عیدها و جشن‌ها و غیره، شهر را به‌عنوان یک جاذبه برای گردشگران معرفی می‌کنند. نمایشگاه‌های بین‌المللی بزرگ یا تاریخی (برگزاری مراسم یادبود) و مراسم مذهبی (زیارت‌های بزرگ در شهرها)، برگزاری عیدها و جشن‌ها (جشن نوروز)، کارناوال‌ها، بازسازی صحنه‌های تاریخی، و غیره از جاذبه‌های گردشگری شهری محسوب می‌شوند. امروزه گردشگری شهری را یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی، اجتماعی و رفاهی شهر و شهرنشینان می‌دانند و به‌همین دلیل، مسئولان شهری در پی ارتقا و گسترش آن برآمده‌اند. لیکن این ارتقا و گسترش خود مستلزم ایجاد شرایط ویژه ساختاری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.

تنها پیشینه کهن شهر، میراث گرانبهای فرهنگی و تاریخی، اماکن تفریحی و سرگرمی فراوان و نظایر اینها برای موفقیت در عرصه گردشگری شهری و جلب گردشگر کافی نیست؛ بلکه نخستین شرط موفقیت هر شهر برای توسعه گردشگری شهری، وجود زیرساخت‌های مناسب شهری و مدیریت عاقلانه و مدبرانه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... است و دومین شرط برای تضمین موفقیت سیاست توسعه گردشگری شهری، نظم و نسق دادن و آمایش جاذبه‌های شهر و ایجاد تسهیلات و امکاناتی است که دسترسی به جاذبه‌ها را بیش‌ازپیش آسان سازد.

گردشگری شهری عبارت است از: مسافرت به شهر با انگیزه‌های مختلف (تفریحی - تفریحی - تفننی، انگیزه اجتماعی دیدار از خانواده و دوستان و بستگان و ایجاد روابط دوستانه، دیدار از رویدادها، انگیزه‌های تجاری و بازرگانی فرهنگی، سیاسی و...) برپایه جاذبه‌های گوناگون،

امکانات و تسهیلات شهری که در شخص ایجاد جذابیت و انگیزه می‌کند. آنچه شهرها را، از دیدگاه میراث، مهم می‌سازد، تجمع بناها و محیط‌های تاریخی یا اماکن تحقق رویدادها در آنهاست. محیط‌های شهری، همچون میدانی مسابقه تاریخی، استادبوم‌ها، کارخانه‌ها، سالن‌های تئاتر، اپراها، خانه‌های تاریخی و دیگر بناها، مجسمه‌ها، بناهای یادبود، موزه‌ها، پارک‌ها، قبرستان‌ها و بازارها، همه باهم، یک محیط جذاب تاریخی خلق می‌کنند و به شهرها، جذابیت می‌بخشند. از این‌رو، گروهی از بناها، و مکان‌ها حوزه‌های میراث را تشکیل می‌دهند و با برنامه‌ریزی و سازماندهی، به مقاصد گردشگری تبدیل می‌شوند.

گردشگرانی که به شهر وارد می‌شوند، دارای انگیزه و دلایل مختلفی هستند. عملکرد گردشگران در فضاهای شهری پیرامون جاذبه‌ها، بافت شهر، خرید، اسکان و فعالیت‌های جنبی است که در موزه‌ها، تئاترها، نمایشگاه‌ها، مراکز تفریحی و نظیر این‌ها تبلور می‌یابد. عملکرد گردشگری در فضاهای شهری، همان‌طور که گفته شد، با انگیزه‌های متفاوتی شکل می‌گیرد:

- ❖ دیدار دوستان و خویشاوندان؛
- ❖ مسافرت‌های تجاری؛
- ❖ حضور در نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌ها؛
- ❖ بازدید میراث فرهنگی؛
- ❖ سفرهای مذهبی (زیارتی)؛
- ❖ حضور در مراسم و وقایع؛
- ❖ رفع مسائل درمانی - بهداشتی؛
- ❖ خریدهای تفریحی؛
- ❖ مسائل ورزشی؛
- ❖ سفرهای روزانه و اداری؛
- ❖ دلایل شخصی
- ❖ بازدید فضای سبز و انبساط روحی

از میان انواع گردشگری شهری با اهداف گوناگون، گردشگری شغلی و سفرهای تفریحی در طول هفته و در زمان تعطیلات مهم‌ترین انگیزه‌های گردشگری شهری‌اند. سفرهای شغلی، مهم‌تر و منظم‌ترند و به‌جز تعطیلات آخر هفته، در سایر روزها (به‌استثنای تعطیلات ملی، مذهبی و غیره) جریان دارند و مسافرت‌های تفریحی در پایان هفته و تعطیلات چندروزه صورت می‌گیرند. مسافرت تفریحی و تفریحی، دربرگیرنده یک‌سوم انگیزه‌های گردشگری شهری و شامل اقامت‌هایی است که به‌طور متوسط سه روز طول می‌کشد. آنچه گردشگری شهری را از سایر انواع گردشگری جدا می‌کند، کثرت اشکال گردشگری و تنوع جاذبه‌ها و خدمات در یک فضای مترکم است.

نواحی شهری به‌علت آنکه جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری دارند، غالباً مقاصد گردشگری مهمی محسوب می‌شوند. شهرها معمولاً جاذبه‌های متنوع بزرگی، شامل موزه‌ها، بناهای یادبود، سالن‌های تئاتر، استودیوهای ورزشی، پارک‌ها، شهربازی‌ها، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان‌هایی مربوط به حوادث مهم یا افراد مشهور دارند که گردشگران بسیاری را جذب می‌کنند.

به عبارت دیگر، محل سکونت، رستوران، ارتباطات، حمل و نقل و سایر خدمات گردشگری در شهرها واقع است که بازدیدکنندگان مناطق اطراف شهر و خود شهر از آنها استفاده می کنند. برای ادامه، به کتاب مراجعه کنید.

## ۷- پیوند گردشگری، محیط زیست و مدیریت شهری

مدیریت شهری در قرن بیست و یکم با تحولات بنیادینی روبرو شده است. تمرکز از توسعه صرف به سمت پایداری، هوشمندی و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان معطوف شده است. در این میان، گردشگری شهری به عنوان یک موتور اقتصادی مهم، باید با مسئولیت‌های زیست‌محیطی خود همسو شود.

### همگرایی اهداف:

گردشگری (جذب بازدیدکننده، رونق اقتصادی) و محیط زیست (حفظ منابع، توسعه فضای سبز) دیگر اهداف مجزا نیستند؛ بلکه یکدیگر را تقویت می کنند. فضاهای سبز شهری، نه تنها هویت محیطی شهر را می سازند، بلکه به عنوان جاذبه‌های آرامش‌بخش و هویت‌بخش، گردشگران را جذب کرده و در عین حال، پایداری زیست‌محیطی شهر را تضمین می کنند. مدیریت فضای سبز شهری، کلید موفقیت در دستیابی به این همگرایی است.

## ۸- تعاریف و ابعاد اجتماعی-فرهنگی گردشگری شهری

### تعریف گردشگری شهری-سبز

گردشگری شهری-سبز بر تجربه زیستن در محیط شهری، استفاده از فضاهای عمومی، جاذبه‌های فرهنگی، و به‌ویژه مناطق سبز شهری (پارک‌ها، باغ‌ها، میادین) تمرکز دارد. این فضاها به عنوان "ریه‌های تنفسی" شهر و پلتفرم‌هایی برای تعاملات انسانی، ارزش اقتصادی و اجتماعی ایجاد می کنند.

### بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی

فضای سبز شهری یک زیرساخت صرفاً فیزیکی نیست؛ بلکه یک عامل فعال در بافت اجتماعی و فرهنگی شهر است:

- هویت محلی: طراحی فضای سبز که از فرهنگ، تاریخ و اقلیم بومی شهر الهام گرفته باشد (مثلاً استفاده از گونه‌های گیاهی خاص منطقه یا طراحی باغ‌هایی با الهام از معماری سنتی)، حس تعلق شهروندان را تقویت کرده و برای گردشگران یک تجربه اصیل ایجاد می کند.
- کیفیت زندگی (QoL): فضای سبز نقش حیاتی در کاهش شاخص‌های نامطلوب شهری دارد:
  - کاهش استرس: دسترسی به طبیعت شهری تأثیر مستقیمی بر سلامت روان شهروندان دارد.

- کنترل دما : درختان و پوشش گیاهی با ایجاد سایه و تبخیر تعرقی، دمای محیط را کاهش داده و به مقابله با پدیده جزایر گرمایی شهری کمک می کنند.
- تعدیل آلودگی : جذب ذرات معلق و کاهش آلودگی صوتی.
- تعاملات اجتماعی : پارکها و فضاهای سبز بزرگ، بستر اصلی برگزاری رویدادهای فرهنگی، جشنوارهها و بازارهای محلی هستند که موجب تعامل مثبت بین شهروندان و گردشگران می شوند.

### تأثیر متقابل

وقتی شهروندان در فرآیند طراحی، نگهداری و حفظ فضای سبز مشارکت می کنند، حس مالکیت افزایش یافته و این امر به توسعه پایدار گردشگری کمک می کند؛ زیرا گردشگران به شهرهای "مراقبت شده" بیشتر جذب می شوند.

### ۹- توسعه فضای سبز با رویکردهای نوین و هوشمند

مدیریت فضای سبز باید از روشهای سنتی فاصله گرفته و از نوآوریهای فناوری و محیط زیستی بهره ببرد.

### الف) شهر هوشمند سبز (Smart Green City)

مفهوم شهر هوشمند سبز، استفاده از فناوریهای اطلاعات و ارتباطات (ICT) برای افزایش کارایی، پایداری و شفافیت در مدیریت منابع طبیعی شهر است.

مزایای عملیاتی برای مدیران فضای سبز:

۱. سیستمهای آبیاری هوشمند: نصب سنسورهای رطوبت خاک، سنسورهای هواشناسی و ایستگاههای سنجش تبخیر و تعرق. این سیستمها به جای آبیاری زمانبندی شده، تنها زمانی آبرسانی می کنند که واقعاً نیاز باشد.
۲. مانیتورینگ سلامت گیاهان: استفاده از پهپادها و دوربینهای چندطیفی برای تحلیل سلامت گیاهان، تشخیص زودهنگام آفات و بیماریها، و کاهش نیاز به سمپاشیهای گسترده.
۳. مدیریت پسماند: نصب سطلهای هوشمند مجهز به سنسور پر شدن برای بهینهسازی مسیر جمعآوری زباله از پارکها.
۴. اپلیکیشنهای تعاملی: توسعه نقشههای GIS پارکها، مسیرهای پیادهروی، و ارائه اطلاعات گیاهشناسی به زبانهای مختلف برای گردشگران.

## ب) کشاورزی شهری (Urban Agriculture)

کشاورزی شهری دیگر صرفاً یک فعالیت معیشتی نیست، بلکه کارکرد آموزشی، تفریحی و تقویتی برای امنیت غذایی محلی دارد. توصیه‌ها:

- توسعه باغ‌های اجتماعی که شهروندان بتوانند محصولات خود را کشت کنند.
- تخصیص بخشی از پارک‌ها به باغ‌های نمایشی-آموزشی که روش‌های کشت پایدار را به گردشگران آموزش دهند.

## پ) مزارع هیدروپونیک شهری (Urban Hydroponic Farms)

هیدروپونیک (کشت بدون خاک) یک راهکار عالی برای فضاهای محدود شهری است که به حفظ منابع آب کمک شایانی می‌کند.

- معرفی: این سیستم‌ها با استفاده از محلول‌های غنی از مواد مغذی و کنترل دقیق محیط رشد، مصرف آب را تا ۹۰ درصد نسبت به کشاورزی سنتی کاهش می‌دهند.
- کاربرد در شهر:

- استفاده از فضاهای عمودی بلااستفاده (مانند دیوارهای ساختمان‌ها یا پارکینگ‌های متروکه) برای ایجاد جاذبه‌های سبز تولیدی.
- تولید محصولات تازه در نزدیکی رستوران‌ها و هتل‌ها، که این خود یک مزیت برای گردشگری غذایی پایدار محسوب می‌شود.

## ۱۰- رویکرد خشک‌منظری (Xeriscaping) مطالعه موردی استان فارس

با توجه به قرارگیری بخش بزرگی از ایران، از جمله استان فارس، در مناطق خشک و نیمه‌خشک، حفظ فضای سبز بدون توجه به محدودیت منابع آب، غیرممکن است. خشک‌منظری یک استراتژی جامع برای طراحی، احداث و نگهداری مناظر طبیعی با هدف به حداقل رساندن نیاز به آبیاری است.

اصول کلیدی خشک‌منظری (۷ اصل)

۱. برنامه‌ریزی و طراحی مناسب: تجزیه منطقه بر اساس نیاز آبی. (Zone Mapping)
۲. بهبود کیفیت خاک: افزایش مواد آلی (کمپوست) برای بهبود ظرفیت نگهداری آب در خاک.
۳. کاهش مساحت چمن‌کاری: چمن بیشترین میزان مصرف آب را دارد و باید جایگزین شود.
۴. استفاده از گیاهان کم‌آبر و بومی: اولویت با گونه‌هایی که به طور طبیعی در اقلیم منطقه رشد می‌کنند.

۵. آبیاری کارآمد: استفاده از سیستم‌های آبیاری قطره‌ای و زیرسطحی.

۶. استفاده از پوشش‌های سطحی (مالچ): استفاده از مالچ آلی (پوشال، خرده چوب) یا معدنی (سنگ‌ریزه) برای کاهش تبخیر مستقیم آب از سطح خاک.

۷. نگهداری مناسب: هرس، کنترل آفات و نگهداری منظم برای حفظ سلامت گیاهان با حداقل منابع.

## ۱۱- توصیه به مدیران فضای سبز فارس

مدیران محترم فضای سبز استان فارس، در آستانه تغییرات اقلیمی و تشدید بحران کم‌آبی، مسئولیت خطیری بر عهده دارید. حفظ و توسعه فضای سبز شهری نه یک مقوله زیبایی‌شناختی صرف، بلکه یک ضرورت حیاتی برای تاب‌آوری اکولوژیکی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. رویکرد سنتی مبتنی بر گونه‌های پرمصرف آب دیگر پاسخگو نیست؛ لذا، اتخاذ استراتژی‌های مدرن و پایدار، اولویت اصلی مدیریت شهری آینده است.

## ۱۲- اولویت‌های اکولوژیکی در مدیریت فضای سبز فارس

توسعه فضای سبز در محیطی با تنش آبی بالا، مستلزم پذیرش سه اولویت اکولوژیکی بنیادین است:

### • بومی‌سازی گونه‌ها و گیاهان مقاوم (Xeriscaping):

اولویت نخست، جایگزینی تدریجی گونه‌های غیربومی و پرآب‌خواه با گیاهانی است که به طور طبیعی با اقلیم خشک و نیمه‌خشک فارس سازگار هستند. این کار نه تنها مصرف آب را به شدت کاهش می‌دهد، بلکه به تقویت تنوع زیستی محلی کمک می‌کند. گونه‌های مقاوم به خشکی، کمترین نیاز نگهداری را داشته و بیشترین بازده اکولوژیکی را فراهم می‌آورند.

### • مدیریت هوشمندانه منابع آب (Reuse & Water Harvesting):

باید رویکرد مدیریت آب از "تأمین" به "حفاظت و بهینه‌سازی" تغییر کند. این شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جمع‌آوری آب باران (Rainwater Harvesting) در مقیاس شهری و بازچرخانی آب‌های خاکستری تصفیه‌شده (Greywater Reuse) برای آبیاری فضاهای عمومی است. هر قطره آب باید به عنوان یک منبع محدود و ارزشمند تلقی شود.

### • بهبود سلامت خاک و افزایش نفوذپذیری:

سلامت خاک نقش حیاتی در ذخیره رطوبت دارد. استفاده از مالچ‌پاشی (Mulching) و افزودن مواد آلی برای افزایش ظرفیت نگهداری آب در خاک، باید به یک استاندارد اجرایی تبدیل شود تا از تبخیر سطحی آب جلوگیری شده و نفوذ آب به سفره‌های زیرزمینی تسهیل گردد.

### ۱۳- نقش شهر هوشمند سبز در تحقق اهداف اکولوژیکی

برای اجرای مؤثر اولویت‌های فوق و ارتقاء جایگاه شیراز و سایر شهرهای فارس به عنوان نمونه‌های موفق پایداری، ادغام قابلیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در مدیریت فضای سبز ضروری است؛ این همان مسیر حرکت به سوی شهر هوشمند سبز است:

- **حسگرهای هوشمند آبیاری:** نصب شبکه‌های حسگر رطوبت، دما و تابش نور خورشید در پارک‌ها و کمربند سبز شهری، امکان آبیاری دقیق و مبتنی بر نیاز واقعی گیاه (Precision Irrigation) را فراهم می‌آورد. این امر به کاهش اتلاف آب تا ۳۰ تا ۵۰ درصد کمک می‌کند.
- **پلتفرم‌های داده‌محور (Data-Driven Dashboards):** ایجاد داشبوردهای مدیریتی که به صورت لحظه‌ای میزان مصرف آب، وضعیت سلامت گیاهان (با استفاده از پهپادها و تصاویر سنجنش از دور) و عملکرد سیستم‌های نوین کشت (مانند هیدروپونیک‌های نمایشی در فضای عمومی) را نمایش دهد. این شفافیت داده‌ای، هم موجب پاسخگویی مدیران و هم افزایش آگاهی عمومی می‌شود.
- **زیرساخت‌های انرژی پاک:** ادغام سیستم‌های آبیاری و روشنایی پارک‌ها با منابع انرژی تجدیدپذیر (خورشیدی)، از مصرف برق شهری کاسته و مدل اکولوژیکی فضای سبز را تکمیل می‌کند.
- **تلفیق کشاورزی شهری و آموزش:** ایجاد ماکت‌ها و فضاهای نمایشی (Showcase Farms) مبتنی بر هیدروپونیک و آبروپونیک در نزدیکی مراکز پرتردد شهری. این فضاها نه تنها مصرف آب را به حداقل می‌رسانند، بلکه به عنوان مراکز آموزشی برای شهروندان و گردشگران عمل کرده و فرهنگ استفاده از روش‌های نوین تولید مواد غذایی را ترویج می‌دهند.

### ۱۴- نتیجه‌گیری:

مدیران فضای سبز فارس باید با دیدگاهی آینده‌نگر، توسعه فضای سبز را از یک امر صرفاً زیبایی‌شناختی به یک راهکار استراتژیک تاب‌آوری شهری تبدیل کنند. اولویت دادن به اکولوژی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های شهر هوشمند، تضمین‌کننده سربسزی شهرها در طولانی‌مدت، حتی در مواجهه با محدودیت‌های شدید منابع آب خواهد بود.

مدیریت فضای سبز شهری شیراز و سایر شهرهای فارس باید تغییر پارادایم را به سمت گونه‌های بومی و مقاوم در برابر خشکی بپذیرد:

- لیست پیشنهادی گونه‌های بومی و مقاوم:
  - گونه‌های مقاوم به خشکی از جنس درمنه (Artemisia) برای حاشیه‌ها.
  - درختچه‌های مقاوم مانند بادام کوهی (Amygdalus scoparia).

○ گیاهان زینتی مانند یاس زرد (Forsythia suspensa) و گونه‌های مقاوم از خانواده ساکولنت‌ها و کاکتوس‌ها برای فضاهای عمومی.

- تغییر فرهنگ عمومی: ضروری است که کمپین‌های آموزشی برای شهروندان برگزار شود تا درک کنند که چمن‌کاری افراطی در اقلیم فارس، نه تنها پایدار نیست، بلکه نشان‌دهنده مدیریت ضعیف منابع است.

## ۱۵- پیشنهادات راهبردی

توسعه گردشگری سبز در گرو مدیریت یکپارچه فضای سبز است. مدیران شهری باید رویکردی جامع اتخاذ کنند که فناوری‌های نوین را با اصول پایداری زیست‌محیطی ترکیب نماید.

## ادغام برنامه‌ها

- تلفیق طرح‌ها: طراحی‌های فضای سبز، به‌ویژه رویکردهای کم‌آب‌بر مانند خشک‌منظری، باید از ابتدا در طرح‌های جامع گردشگری شهری گنجانده شوند تا زیبایی‌شناسی و کارایی محیطی تضمین شود.

## آموزش و مشارکت

- آموزش کارکنان: سرمایه‌گذاری بر آموزش کارشناسان فضای سبز در زمینه کاربری نرم‌افزارهای هوشمند، سنسورها و اصول خشک‌منظری.
- مشارکت شهروندان: ترغیب مردم به نگهداری از فضاهای سبز اطراف منازل و گزارش‌دهی مشکلات از طریق اپلیکیشن‌های شهری، اعتماد عمومی را بالا می‌برد.

## ۱۶- اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری

- اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری‌ها باید به سمت زیرساخت‌های هوشمند (سنسورها، پلتفرم‌های تحلیل داده و سیستم‌های پایش از راه دور) باشد. این سرمایه‌گذاری‌ها در بلندمدت، با بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی، هزینه‌های عملیاتی را به طور چشمگیری کاهش داده و پایداری گردشگری شهری را تضمین خواهند کرد.

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوشمند-سبز باید بر دو محور اصلی متمرکز شود: بهینه‌سازی مصرف منابع ( Smart Optimization) و افزایش انعطاف‌پذیری و ظرفیت زیست‌محیطی (Green Enhancement). در اینجا، اولویت‌های سرمایه‌گذاری در محیط شهری فارس تشریح می‌شود:

## اولویت ۱: مدیریت هوشمند منابع آب (Smart Water Management)

با توجه به بحران آب، سرمایه‌گذاری در این بخش بیشترین بازدهی فوری و بلندمدت را خواهد داشت.

## اولویت ۲: زیرساخت‌های انرژی تجدیدپذیر و ساختمان‌های هوشمند

کاهش وابستگی به منابع انرژی فسیلی و بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان‌ها، به کاهش بار کلی زیست‌محیطی شهر کمک می‌کند.

- **انرژی خورشیدی توزیع‌شده:** سرمایه‌گذاری در نصب پنل‌های خورشیدی در پشت‌بام ساختمان‌های عمومی، هتل‌ها و مراکز تجاری. **اولویت‌بندی برای ایجاد "ریز شبکه‌های انرژی" (Microgrids)** در مناطق گردشگری برای اطمینان از پایداری تأمین برق در زمان اوج مصرف یا قطعی.
- **سیستم‌های مدیریت انرژی ساختمان (BEMS):** استقرار سامانه‌های هوشمند در هتل‌ها و مراکز گردشگری برای تنظیم خودکار روشنایی، تهویه و سرمایش/گرمایش بر اساس میزان اشغال فضا و حضور گردشگران.

## اولویت ۳: توسعه فضاهای سبز تاب‌آور (Resilient Green Spaces)

سرمایه‌گذاری بر روی بافت سبز شهری باید همزمان با رویکرد **Xeriscaping** (طراحی منظر مقاوم به خشکی) باشد و توسط فناوری تقویت شود.

- **باغ‌های نمایشی هوشمند (Showcase Farms):** ایجاد مزارع شهری آزمایشی مبتنی بر هیدروپونیک و آیروپونیک در نزدیکی مراکز آموزش و جذب گردشگر. این پروژه‌ها باید با حسگرهای دقیق و منابع آب بهینه شده کار کنند تا به عنوان الگوی آموزشی و جاذبه گردشگری عمل کنند.
- **سیستم‌های سنجش سلامت خاک و پوشش گیاهی:** استفاده از پهپادها و تصاویر ماهواره‌ای برای پایش لحظه‌ای سلامت درختان و میزان پوشش گیاهی شهری، که به مدیران فضای سبز امکان می‌دهد مداخلات هدفمند و به‌موقع انجام دهند (به جای آبیاری عمومی و گسترده).

## اولویت ۴: پلتفرم داده‌محور برای مدیریت یکپارچه شهری

هیچ کدام از موارد بالا بدون یک بستر تحلیلی قوی موفق نخواهد بود.

- **ایجاد داشبورد یکپارچه پایداری (Sustainability Dashboard):** این پلتفرم باید داده‌های جمع‌آوری شده از تمام حسگرها (آب، انرژی، ترافیک، کیفیت هوا) را در یک جا تجمیع کند.
- **نقش در گردشگری:** مدیران می‌توانند با مشاهده لحظه‌ای میزان مصرف آب یک منطقه، فعالیت‌های تبلیغاتی را برای هدایت گردشگران به مسیرهای کم‌مصرف تنظیم کنند یا کمپین‌های آگاهی‌بخش عمومی را در مناطقی با مصرف غیرعادی راه‌اندازی نمایند.
- **حمایت از استارت‌آپ‌های محلی:** اختصاص بودجه‌های مشخص برای حمایت از استارت‌آپ‌هایی که راه‌حل‌های نرم‌افزاری برای مدیریت هوشمند منابع در مقیاس شهری توسعه می‌دهند.

## ۱۷- بازده سرمایه‌گذاری (ROI)

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هوشمند-سبز، بازدهی چندوجهی دارد:

۱. **صرفه‌جویی مالی:** کاهش چشمگیر هزینه‌های جاری (آب، برق) در بلندمدت.
  ۲. **تأمین امنیت منابع:** حفظ منابع حیاتی در برابر تهدیدات اقلیمی.
  ۳. **جذب گردشگر نوین:** تبدیل فارس به مقصدی پیشرو در زمینه گردشگری مبتنی بر پایداری و فناوری، که گردشگران آینده‌نگر را به خود جذب می‌کند.
- تمرکز اولیه باید بر **مقیاس‌پذیری (Scalability)** و **پیاده‌سازی در مناطق حساس (مانند محدوده‌های شهری شیراز و نقاط پربازدید گردشگری)** باشد تا اثرات مثبت به سرعت قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشد.

### جمع بندی کلی:

در نتیجه، استراتژی بهینه برای استان فارس، ادغام یکپارچه سرمایه‌گذاری‌های **هوشمند-سبز** با تحول پارادایم **گردشگری شهری و میراثی** است؛ جایی که چالش‌های حیاتی مانند بحران آب، از طریق پیاده‌سازی حسگرهای محیطی، شبکه‌های آبیاری دقیق، و پروژه‌های نمایشی پیشگامانه مانند **مزارع هیدروپونیک شهری** که خود به جاذبه‌های نوین گردشگری تبدیل می‌شوند، مدیریت گردند، و حکمرانی نوین از طریق اعتبارسنجی سبز و پلتفرم‌های داده‌محور، این تحول را تضمین نموده و در نهایت، پایداری اکولوژیکی و ارتقاء تجربه بازدید از میراث جهانی را به طور همزمان محقق سازد.